عاقبت عجیب نقشه ۳ جوان افغان و یک ایرانی برای دستبرد به طلافروشی

گروه حوادث – زمانی که طلافروش در صندوق عقب ماشینش با دست و پای بسته زندانی بود، سارقانی که او را ربوده بودند به مغازه طلافروشی‌اش دستبرد زدند، اما به‌صدادرآمدن آژیر باعث دستگیری‌شان شد. در حالی که مرد طلافروش مدعی است ۵ کیلو طلا از مغازه‌اش سرقت شده اما دزدان می‌گویند که فقط ۶۰۰ گرم طلا دزدیده‌اند و بقیه طلاها هنگام فرارشان روی زمین ریخته و رهگذران آنها را برده‌اند.

شامگاه شانزدهم تیرماه امسال صدای آژیر یک مغازه طلافروشی در محله جوادیه تهران در فضا پیچید. همزمان چند مرد دستپاچه و سراسیمه از طلافروشی بیرون دویدند و پا به فرار گذاشتند. طولی نکشید که مأموران گشت کلانتری ۱۱۷ جوادیه به‌دنبال به صدا درآمدن آژیر طلافروشی در آنجا حاضر شدند. در مغازه باز بود و مقداری طلا و جواهر داخل مغازه و مقداری هم در پیاده‌رو ریخته بود. شواهد نشان می‌داد که دزدان بعد از آنکه آژیر خطر به صدا درآمده دستپاچه شده و از ترسشان تصمیم به فرار گرفته بودند اما هنگام فرار، طلاهایی که سرقت کرده بودند روی زمین (داخل مغازه و پیاده‌رو) ریخته بود. هنوز اما از صاحب طلافروشی خبری نبود. تحقیقات نشان می‌داد که صاحب طلافروشی مردی میانسال است که ساعتی قبل‌تر، مغازه خود را تعطیل کرده و پس از آنکه سوار ماشینش شده به سمت خانه‌اش رفته اما در بین راه ناپدید شده است.

گروگانی در صندوق عقب

چند ساعت از این اتفاق عجیب گذشته بود. هنوز ردی از طلافروش و سارقان به‌دست نیامده بود تا اینکه حوالی بامداد روز بعد زوج جوانی که از خانه یکی از دوستانشان در شرق تهران بیرون آمده بودند تا به منزل خود برگردند، صدایی از داخل صندوق عقب یک خودروی پژو ۲۰۶ اس دی شنیدند. ماشین کنار خیابان پارک بود و به‌نظر می‌رسید فردی داخل صندوق عقب است. زوج جوان به پلیس زنگ زدند و دقایقی بعد مأموران کلانتری تهران نو در آنجا حاضر شدند. آنها پس از باز کردن در صندوق عقب با مردی میانسال مواجه شدند که دست و پایش بسته و آثار ضرب و شتم روی بدنش دیده می‌شد. او کسی جز صاحب طلافروشی نبود که چند ساعت قبل دزدان به مغازه او در حوالی جوادیه دستبرد زده بودند.

مرد ۶۰ ساله که باورش نمی‌شد نجات یافته است درباره ماجرای گرفتارشدنش در صندوق عقب چنین گفت: من صاحب یک طلافروشی در جوادیه هستم. حدود ساعت ۱۰ شب مغازه را بستم و به همراه مغازه‌دار همسایه سوار ماشینم شدیم و به سمت خانه‌هایمان حرکت کردیم. پس از آنکه دوستم را رساندم ناگهان یک موتور سوار مقابل ماشینم پیچید و سد راهم شد. او ماسک به‌صورت داشت و خودش را مأمور معرفی کرد. مرد موتورسوار مدعی بود که من تخلف کرده‌ام. همزمان ۳ مرد جوان دیگر نیز به او پیوستند. آنها با چاقو و شوکر به سمتم هجوم آوردند و بعد از آنکه دست و پایم را بستند مرا داخل صندوق عقب گذاشتند. آنها مرا مورد ضرب و جرح قرار دادند و بعد از آنکه در صندوق عقب زندانی شدم، راه افتادند.

وی ادامه داد: کیفم در صندلی جلوی ماشینم بود و تمام مدارکم و کلید مغازه طلافروشی نیز داخل آن قرار داشت. پس از طی مسافتی ماشین متوقف شد و متوجه شدم مردان گروگانگیر پیاده شده و رفته‌اند. با دست و پای بسته‌ام به صندوق می‌کوبیدم تا شاید فردی متوجه شود و نجاتم دهد اما بی‌فایده بود. من چند ساعتی به تلاشم ادامه دادم تا اینکه در نهایت در ماشین باز شد و با دیدن ماموران، فهمیدم که نجات یافته‌ام. همه شواهد از این حکایت داشت که دزدان پس از ربودن طلافروش و زندانی کردن او در صندوق عقب ماشینش، نقشه سرقت از طلافروشی را عملی کرده بودند اما هنوز مشخص نبود که این سرقت توسط چه کسانی رخ داده است.

بازداشت سارقان ۵ کیلو طلا

طلافروش گروگان وقتی به مغازه‌اش رفت، پس از بررسی طلاها اعلام کرد که دزدان بیش از ۵ کیلو طلا از مغازه‌اش سرقت کرده‌اند. در ادامه مأموران به بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته مغازه طلافروشی پرداختند و مشخص شد که سارقان با در اختیار داشتن کلید وارد مغازه شده بودند اما نمی‌دانستند که پس از باز کردن در باید کد امنیتی برای خاموش کردن سیستم دزدگیر را وارد کنند. به همین دلیل بعد از ۴۵ ثانیه از حضور آنها آژیر خطر به صدا درآمده و دزدان که دستپاچه شده بودند تصمیم به فرار گرفته بودند.

گروهی از کارآگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی تهران با دستور قاضی مرتضی رسولی، بازپرس شعبه هشتم دادسرای ویژه سرقت، مأمور رسیدگی به این پرونده شدند. اقدامات پلیسی خیلی زود به نتایج خوبی رسید و معلوم شد که سارقان ۴ نفر و ۳ نفرشان افغان و یکی از آنها ایرانی است. با این سرنخ مأموران پاتوق‌های احتمالی اعضای این گروه را زیر نظر گرفتند تا این که در روز ۱۲ مرداد ماه موفق شدند هر ۴ متهم را در ۴ عملیات جداگانه دستگیر کنند.

به گفته سردار علیرضا لطفی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت، در مخفیگاه متهمان حدود ۷۵ گرم از طلاهای مسروقه و ۲ عابر بانک که پول طلاهای سرقتی داخل آن بود کشف شده و سارقان گروگانگیر برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفته‌اند.

نقشه حساب شده

سردسته و مغز متفکر گروه یک جوان افغان است که می‌گوید نقشه سرقت را دو سال قبل یکی از همشهریانش در سر او انداخته. هر چند در این مدت جرأت اجرای آن را نداشته اما در نهایت یک ماه قبل تصمیم گرفته این نقشه را عملی کند.

طلافروشی را چطور شناسایی کردید؟

یکی از همشهریانم به نام جمعه مرد طلافروش را می‌شناخت و از او طلای قسطی می‌خرید. آن زمان من و جمعه در یک کارگاه کفاشی کار می‌کردیم. او پیشنهاد سرقت از مغازه طلافروشی را هم مطرح کرد اما من می‌ترسیدم در غربت خلاف کنم. جمعه همیشه می‌گفت که مرد طلافروش عادت ندارد ویترینش را خالی کند و هر شب طلاهایش را در ویترینش می‌گذارد به همین دلیل سرقت از مغازه وی بهترین و راحت‌ترین گزینه است. او خیلی اصرار کرد اما من قبول نکردم و بعد از مدتی هم جمعه رفت افغانستان. من هم تنهایی جرأت نمی‌کردم سرقت کنم و موضوع فراموش شد.

چه شد که دوباره بعد از دو سال نقشه سرقت کشیدی؟

راستش اواخر پارسال به‌شدت دچار مشکلات مالی شدم و فکر سرقت به سرم زد. اما به تنهایی نمی‌توانستم ریسک و دزدی کنم. مدتی گذاشت تا اینکه موضوع را با دو نفر از همشهریانم و سعید که ایرانی بود در میان گذاشتم. با همشهریانم همکار بودیم و با هم کارگری می‌کردیم. سعید هم دستفروش بود و گاهی به کارگاه کفاشی ما می‌آمد و کفش می‌خرید تا بساط کند و بفروشد. وقتی پیشنهاد سرقت را به آنها دادم پذیرفتند چون مشکلات مالی داشتند.

بعد چه کردید؟

نقشه کشیدیم و هر کس وظیفه‌ای بر عهده گرفت. یک نفر طلافروش را تعقیب می‌کرد تا مسیرهایش را به‌خاطر بسپارد. یک نفر اطراف طلافروشی را زیر نظر می‌گرفت. خلاصه هر ۴ نفرمان از یک ماه قبل در تکاپو بودیم تا نقشه به مرحله اجرا برسد. تا اینکه روز حادثه رسید. آن روز سعید سوار بر موتور در اطراف مغازه طلافروشی بود تا اینکه طعمه‌مان مغازه را تعطیل کرد و راه افتاد به سمت خانه. مرحله بعد این بود که یکی از اعضای باند با موتور مقابل ماشین طلافروش بپیچد و خودش را مأمور جا بزند. همزمان من و دو همدست دیگرم به او پیوستیم و طلافروش را در صندوق عقب زندانی کردیم. بعد از سرقت کلید مغازه، ۳ نفر از ما برای دزدی به سمت طلافروشی رفتیم اما نمی‌دانستیم بعد از باز کردن مغازه، کد را هم باید وارد کنیم. به همین دلیل آژیر به صدا درآمد و ما به‌شدت دستپاچه و وحشت زده شدیم. در حالی که سرگرم جمع‌آوری طلاهای ویترین بودیم و آن را داخل کیسه‌هایمان می‌ریختیم، فکر فرار به سرمان زد. اما چون هول شده بودیم بیشتر طلاهایی که برداشته بودیم روی زمین ریخت. اگرچه سعی کردیم طلاها را از روی زمین برداریم اما فرصت نبود و هر لحظه ممکن بود مأموران سر برسند برای همین بخشی از طلاها را برداشتیم و بی‌خیال مابقی شدیم.

اما ۵ کیلو طلا سرقت کردید؟

نه اصلا ۵ کیلو نبود. هم روی زمین ریخت و رهگذران آنها را بردند، فقط ۶۰۰ گرم طلا گیرمان آمد.

بعد از سرقت چه کردید؟

به پارکینگ خانه یکی از دوستانمان رفتیم و طلاها را تقسیم کردیم. اما قرار گذاشتیم تا مدت‌ها، طلاها را نفروشیم. از سوی دیگر نگران وضعیت مرد طلافروش بودیم و می‌ترسیدیم مبادا جانش را از دست بدهد تا این که یکی از بچه‌ها در یکی از کانال‌های تلگرامی خبر زنده ماندن طلافروش را خواند و به ما اطلاع داد. به این ترتیب خیالمان راحت شد. قصد داشتیم به افغانستان برگردیم اما پلیس ما را شناسایی کرد و دستگیر شدیم.

قاتل در خانه باغ پدری به دام افتاد

گروه حوادث– همزمان با بازسازی صحنه قتل دو خواهر توسط داماد عصبانی جزئیات تازه‌ای از عملیات دستگیری مرد جنایتکار فاش شد.

عصر سوم مرداد امسال جنایت هولناکی در محله حاجی‌آباد شهر سنندج اتفاق افتاد. آن روز مردی که از چندماه قبل با همسرش به نام بیان دچار اختلاف شده بود سوار بر خودروی پژویش سد راه این زن و خواهرش شد و با سلاح کلاشنیکف آنها را به رگبار بست. بیان که مادر ۳ فرزند بود به همراه خواهر کوچکش که مادر کودکی خردسال بود جانشان را از دست دادند و عامل جنایت به سرعت فراری شد.

با گزارش ماجرا به پلیس تحقیقات برای کشف راز این جنایت آغاز شد. اظهارات خانواده قربانیان نشان می‌داد که بیان که سال‌ها پیش با شوهرش ازدواج کرده بود از حدود سه سال قبل به‌دلیل رفتار بد این مرد با همسر و فرزندانش با او دچار اختلافات شدید شده بود تا جایی که حدود چهار ماه پیش از خانه قهر کرده و همراه فرزندانش به خانه پدرش رفته بود. قهر بیان باعث عصبانیت بیشتر شوهرش شده بود و این اختلافات ادامه داشت تا اینکه روز حادثه مرد ۴۴ ساله درحالی که یک قبضه کلاشنیکف در دست داشت سد راه بیان و خواهر کوچک‌ترش شده و هر دوی آنها را به ضرب گلوله به قتل رساند و پا به فرار گذاشت.

با این اطلاعات تحقیقات برای دستگیری قاتل فراری آغاز و مشخص شد که این مرد یک مجرم سابقه‌دار در زمینه خرید و فروش مشروبات الکلی است و اختلافات اصلی وی با همسرش نیز بر سر اقدامات مجرمانه او بوده است.

در این شرایط جست‌وجو برای یافتن مخفیگاه این مرد ادامه یافت اما او برای اینکه به دام پلیس نیفتد مدام مخفیگاه خود را تغییر می‌داد. با این حال اواخر هفته گذشته مأموران موفق شدند محل تردد وی را در شهرستان دهگلان شناسایی کنند و به کمین وی نشستند اما او که سوار بر یک خودروی پژو بود وقتی خود را در محاصره پلیس دید به دستور ایست مأموران توجهی نکرد و فرار کرد.

مأموران به تعقیب او پرداختند و پس از شلیک چند تیر هوایی خودروی وی را هدف قرار داده و موفق شدند لاستیک ماشین او را پنچر کنند اما مرد جنایتکار همچنان به فرار ادامه داد و توانست با استفاده از تاریکی شب از دست مأموران فرار کند. این اما پایان ماجرا نبود چرا که در ادامه تحقیقات معلوم شد که قاتل فراری به یکی از روستاهای دهگلان گریخته و در خانه باغ پدری‌اش مخفی شده است. بنابراین تیم عملیاتی پلیس این باغ را محاصره کرد و صبح جمعه گذشته و در یک عملیات ضربتی موفق شد قاتل را دستگیر کند.

مرد جنایتکار پس از دستگیری به قتل همسرش و خواهر او به‌دلیل اختلافات خانوادگی اعتراف کرد و روز دوشنبه با انتقال به محل جنایت، صحنه تیراندازی مرگبار به این دو خواهر را بازسازی کرد. از سوی دیگر خانواده مقتولان با حضور در دادسرا برای وی درخواست قصاص کردند و در این شرایط متهم با قرار قانونی به بازداشتگاه منتقل شد تا پس از تکمیل شدن تحقیقات ابتدایی پرونده او با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری استان کردستان فرستاده شود و او پای میز محاکمه قرار بگیرد.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام

خانم کارمند امور اداری جهت کار در یک شرکت استخدام می شود.متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک b۳طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

استخدام منشی عصر

آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است . متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند .
ساعت کار: بعدازظهر (۲ تا ۹ شب)
شماره تماس: ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹

فروش کتاب

حدود ۶۰۰۰ جلد کتاب رمان ایرانی و خارجی قدیمی که از این تعداد حدود ۵۰۰ جلد گالینگور است و کتابهای آموزش داستان نویسی، رمان نویسی و کتابهای تاریخی و مرجع. اکثر کتابها قدیمی و نایابند
ثمره ۴۰ سال کار و تجمیع کتابهای تخصصی داستان و رمان و آموزش داستان و رمان نویسی و کتابهای مرجع،
قفسه ها شخصی ساز و سفارشی
مناسب برای کتابخانه ها و اشخاص خیر و اهل مطالعه
برای اهدا به کتابخانه های مناطق محروم
فروش با قفسه ها یا بدون قفسه
به هیچ وجه تکی یا انتخابی نیست
فقط یکجا به علت جابه جایی
قابل ارسال به تمام نقاط کشور
۰۹۱۲۳۷۳۱۷۳۷

مفقودی

اصل سند ششدانگ یک دستگاه آپارتمان به شماره ۲۷-۸۳/۵۷۳ به آدرس نوبنیاد بیستون ۸ قطعه ۶۳۰ طبقه ۳ واحد ۷ بانضمام یک باب پارکینگ به شماره هفتم مجزی شده از قطعه ۶۳۰ جزیره کیش دارای قرارداد شماره ۲۷-۸۳/۵۷۳ مورخ ۱۳۸۳/۰۸/۲۷ که برابر دفترچه مالکیت به شماره سریال ۴۱۵۶۰ در صفحه یک دفتر ۸۶ دفتر ثبت منطقه به شماره ۲۱۴۴۳ مورخ ۹۳/۰۴/۲۱ املاک جزیره کیش ثبت گردیده به نام جمال بهشتی فیروز آبادی فرزند هدایت با کد ملی ۴۴۳۳۲۹۷۵۱۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

خدمات

خدمات برق
انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما – کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی –خدماتی –تجاری
رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

حمل بار

حمل و جابجایی کالا
با ۶ چرخ در سطح جزیره
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

رهن و فروش

مشاور امین ملکی شما
در جزیره زیبای کیش
۰۹۳۳۶۷۵۰۹۱۴ عمرانی

اصل سند ششدانگ یک باب مغازه به شماره قطعه هفت تفکیکی با کاربری تجاری در بازار زیتون کیش طبقه همکف مجزی شده از قطعه ts۲۱۶ واقع در جزیره کیش اراضی نوار توسعه سیاحتی فی‌مابین مونا محمدی سربند فرزند عظیم با کد ملی ۰۰۷۸۴۱۳۶۴۸ و سازمان منطقه آزاد کیش مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

تدریس خصوصی

تدریس خصوصی دروس ریاضی،فیزیک و شیمی از پایه نهم تا دانشگاه توسط استاد مجرب با ۸سال سابقه تدریس به همراه کلاسهای امادگی تست کنکور شیمی توسط مهندس شیمی با نازلترین قیمت و یادگیری تضمینی
۰۹۳۶۲۶۰۴۲۸۱

ضدعفونی
اماکن قرنطینه ای، منازل مسکونی
تجاری،اداری، پروژه هاو ...
با مه پاش های سرد – فوری
شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷
شرکت شاندیز کیش